

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

باز تایید توسط : طارق هوادار (ساما- ادامه دهندگان).

نویسنده : زنده یاد عبدقیوم (رهبر)

۰۸ دسمبر ۲۰۱۱

از مقاومت تا انقلاب

از انقلاب تا پیروزی در ضرورت اوضاع کنونی

۳

به ادامه گذشته:

جناح مسمی به بروکرات ها :

این جناح به رهبری برژنف در سیاست داخلی با تأکید روی بروکراسی حزبی و دولتی قدرت را قبضه کرده بود و در عرصه بین المللی ، نیز برای پیشبرد نقشه های استعماری جهان گشایانه اش ، شیوه مداخلات مستقیم سیاسی – نظامی را برگزیده و با مداخلات خشن سیاسی و نظامی به ویژه در سه قاره آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین ، در روبروئی مستقیم با ابر قدرت رقیب قرار گرفت. به اساس این سیاست رقابت بین این دو ابر قدرت و تشدید تضاد فی مابین شان به حد اعلای خودش رسید . ما طی دهه اخیر حاکمیت برژنف شاهد این گونه ماجراجوئی ها ، مداخلات نظامی و تشدید تنشج در اوضاع جهانی بودیم .

جناح مسما به تکنوکرات ها :

این جناح که در امتداد خط خروشف اخیراً در زمان استاد کار کشته (کا . جی . بی) اندروپوف می خواست جان بگیرد باروی کارآمدن گریباچف قدرت حاکمه را در حزب و دولت از چنگ رقبای خود بدر آورد. و اکنون با استحکام یابی پایه های قدرت خویش سیاست هایش را بر حزب و دولت مسلط ساخته است .

این جناح ضمن انتقادات نسبی از بروکراسی دولتی و حزبی و سیاست های پیشین در عرصه بین المللی برای تحقق اهداف امپریالیستی اش اکنون عمدتاً به جای شیوه های مداخلات مستقیم نظامی – سیاسی می خواهد شیوه های غیر

مستقیم رقابت های اقتصادی با غرب و نفوذ آرام سیاسی اقتصادی در کشور های عقب مانده سه قاره را در پیش گیرد .

چنانچه اخیراً ما شاهدیم که گرباچف به نمایندگی و رهبری این جناح سیاست های جدیدش را زیر نام - (Perestroika) "دوباره سازی" و Glasnosts یا گشایش " طرح و به مرحله اجراء گذارده که به اساس آن ضمن تغییر در سیاست های داخلی تغییراتی را نیز در عرصه بین المللی در سیاست هایش ایجاد نموده که در سطح جهانی موجب سر و صدای فراوان شده است این سیاست ها دقیقاً با در نظر داشت مشکلات همه جانبه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی ، اداری و نظامی درونی شوروی از یکجانب و بادر نظر داشت مشکلات عظیم بین المللی آن از سوی دیگر ، طرح ریزی شده است .

همزمان با این مشلات فراگیر امپریالیسم شوروی و تغییر سیاست هایش ، امپریالیسم رقیب نیز در منجلاب مشکلات مشابه قرار دارد که در نتیجه این عوامل ، ضرورت نزدیکی ها و تبانی دو ابرقدرت قوت گرفته و تحقق این تبانی تأثیرات مهمی در مجموع اوضاع جهانی به جا گذاشته است .

اکنون در نتیجه تبانی و تفاهم موقتی، دو ابرقدرت مصروف ساختن پلان ها ، نقشه ها و تبادل امتیازات حاصل از این تبانی اند . واضح است که این موضوع قبل از همه بر روی نهضت های آزادیبخش جهانی به ویژه جنبش مقاومت قهرمانانه مردم ما تأثیر خواهد داشت . و به اینصورت جنبش پرتلاطم مردم فداکار ما که طی یکدهه نبرد با تقدیم خونهای عظیم، روس ها را عملاً به شکست و عقب نشینی واداشته جبراً در گرداب این تبانی و مانورهای چند جانبه امپریالیستی ، و مؤثرات منطقه ای و نتایج خانه خراب کن ناشی از آن افتاده است .

روسها با استفاده از این اوضاع و تأثیرات زیادی که از ناحیه طرح سیاست های "نوسازی" و "گشایش" خود به جا گذاشته اند ، می خواهند مجموعه مؤثرات برشمرده شده ای قبلی را در مسیری سوق دهند تا جنبش مقاومت مارا تحت الشعاع هیاهوی این سیاست ها قرار دهند و قضیه را طوری وانمود کنند که این خود روسهائند که ارتش اشغالگر خود را از افغانستان بیرون می کشند .

تا ازین طریق برای آبروی از دست رفته ای خود چاره سازی کنند اما آیا شکست ارتش اشغالگر روسی در برابر اراده رزم جویانه خلق آزاده ما با اینگونه حرکات پوشیده خواهد ماند !

این خیال خامیست که فقط مغز بیمار امپریالیستها می تواند آنرا در پندار خود بپروراند ولی واقعیت شکست روس آنچنان جانگداز است که سر تا پای جنایتکاران روسی را می سوزاند .

ولی اینها همه یک جانب قضیه اند. جانب دیگر حتی مهم آن اینست که این شکست آنگاهی قطعی ، همه جانبه و کامل می شود که نتایج آن در خدمت پیروزی واقعی مردم افغانستان قرار گیرد و آن عبارت است از قطع نفوذ امپریالیست ها ، طرد عناصر وابسته و مزدور خارجی از ساحات زندگی سیاسی مردم و پیمودن راه مستقلانه آزادی، دموکراسی و پیشرفت و ترقی اجتماعی است .

ولی واقعیت کنونی ما چگونه است ؟

همانطوری که دقیقاً شکست دشمن و عدم پیروزی واقعی خلق ماترسیم کننده و بیان اوضاع کنونیست ، خطوط به چهره هر افغان آزاده و رزمنده نیز آمیزه ای از لبخند و خشم است . اگر لبخند از بابت عقب نشینی نیروهای اشغالگر است خشم و افسردگی آن از ناحیه ضعیف و نبود یک بدیل قوی مردمی ، آزادی خواه و آگاه است که بتواند به طور

بالفعل در تقابل با سیاست های استعماری روسیه امپریالیستی و دولت مزدورشان با ابتکار ، آگاهی و رهبری خردمندانه پیروزی واقعی را برای مردم ستمدیده و قهرمان ما تضمین و زخمهای شان را التیام بخشید .

ضعف ها و نابسامانی هایی که منجر به این اوضاع شده است چیست ؟

مادر سه سال قبل نقاط اساسی ضعف جنبش مقاومت را نشانه گیری نموده و خاطر نشان ساختیم که دشمن از این نقاط ضعف بهره بر داری خواهد کرد و خطرات حاصل از آن را نیز متذکر شدیم . که اکنون خود مردم ما شاهد استفاده دشمنان از این نقاط ضعف و کاستی ها هستند . حال با در نظر داشت مطالب مطروحه در مقالات قبلی در این زمینه بار دیگر از زاویه دیگری نیز به این خلا و کم بود جنبش مقاومت که امکان مانور بیشتر برای دشمنان و خطرات بالفعل را برای جنبش به وجود آورده- اشاره می کنم .

همانطوری که وظایف دو دوره یعنی قبل و بعد از پیروزی در مورد انقلابات آزادیبخش ضد امپریالیستی و جنگهای طولانی مطرح شد . اکنون از جنگ مقاومت دلیرانه مردم ما علیه تجاوز گران امپریالیست روسیه ده سال می گذرد و طی این ده سال مناطق وسیعی از خاک کشور ما در کنترل نیرو های مقاومت بوده و تحت حاکمیت سیاسی - نظامی شان می باشد .

همچنان در محیط مهاجرت در حدود پنج میلیون آواره افغان عملاً شاهد نحوه برخورد دو نوع حاکمیت سیاسی رهبران عمارت نشین در امور مختلفه مبارزاتی و زندگی خود بوده اند .

خوب است قضیه را بدین گونه مطرح نماییم : طی این مدت در تقابل و مبارزه با نهاد ، مدل ها و بدیل های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، نظامی ، تبلیغاتی و ... سیستم استعماری جنبش مقاومت نیز بایست نهاد ها ، مدل ، تأسیسات و بدیل های ضد استعماری ، انقلابی و مردمی خود را جان بخشیده و استوارانه مستقر می ساخت تا ضمن در هم شکستن سیستم استعماری و حرکات چرخشی اش ، توده میلیونی رزمنده با شیفتگی در استقرار و استحکام این نهاد ها می کوشیدند و به شکل زنده شاهد زندگی آزاد و خوشبخت فردای خود می بودند !

در بعد نظامی :

ماباید اکنون دارای یک ارتش منظم آزادیبخش می بودیم که لشکر های آن در شمال و جنوب شرق و غرب کشور تحت فرماندهی زبده و واحدی قرار می داشت تا به عنوان بازوی مسلح و کارآ به پشتوانه و به اساس توانمندی شگرف رزمی نیروهای مسلح مردمی با حراست از دست آوردهای حاصل از جنبش مقاومت تمام نقشه های امپریالیستی و توطئه های چند جانبه اجانب غارتگر و استفاده جو را قاطعانه خنثی می ساخت؛ تاجائی برای مانورهای امپریالیستی نمی بود . حداقل اکنون مجامع ملل متحد نیز برای استقرار امنیت و صلح بعد از خروج نیروهای تجاوزگر روسی در کشور عزیز ما با آشفته فکری در پی استمداد جوئی از نیروهای نظامی خارجی نمی افتید و مردم شیفته آزادی ما با عشق به بازوی مسلح مردمی خود و ستاد رهبری کننده آن ، امنیت در جامعه و دفاع از تمامیت ارضی را با اعتماد کامل شایسته این نیروی تثبیت شده ملی می دید . چنانچه نمونه هایی از این پروسه را ما در بسا نهضت های آزادیبخش که بالاخره در شکل ستاد رهبری قابل قبول برای مردم داشتند می بینیم که به مجرد حاضر شدن امپریالیستها و تجاوزگران به خروج ، الترناتیف های ملی و انقلابی که به میدان بوده اند بلادرنگ مقدرات کشوری و لشکری را به عهده گرفته اند . مردم نیز با علاقه وافر از آنها استقبال کرده حاکمیت آنها را حاکمیت خود دانسته اند .

در ساحت سیاسی:

در تقابل و مبارزه با حاکمیت سیستم سیاسی مستبدانه و ضد مردمی تک حزبی غلیظ استعماری دولت مزدور که در آغاز از فرط قدرت استعماری خود را یک‌ه تاز میدان می پنداشت و براین پایه با بی حیائی به جز خود بر مجموع نیروهای سیاسی کشور مهر نفی می زد ، باید تاکنون جنبش مقاومت ما بدیل و مدل ابتدائی اولیه متضاد آن را به شکل یک دولت موقت ملی ، مردمی که به دور از انحصار گرائی ، تعصب تاریک اندیشانه و وابستگی ، ممثل واقعی یک اتحاد وسیع ملی و مردمی که واقعیت جامعه مارا بیان بنماید برکوه پایه های غرور انگیز افغانستان مستقر و مستحکم می ساخت .

حاکمیت سیاسی - ملی مردمی و عدالت پیشه ای که با خدمت بی دریغ به مظلومین افغانستان ، مدافع سر سخت و امانت نگهدار ثروت ها و منافع ملی ما می بود تا توده های عظیم مردم خود را حاکم سر نوشت خود می دانستند و از دل و جان این نحوه حاکمیت سیاسی را می ستودند .

در عرصه بین المللی که جنبش مقاومت به حق ملت ما از پشتوانه بزرگ معنوی بی نظیر برخوردار است در تقابل با تبلیغات دشمن تجاوزگر که از ابتداء جنبش مقاومت مارا حرکت فیودالی ، ارتجاعی و " باسچی " می ؛ جنبش مقاومت باید با در پیش گرفتن سیاست تبلیغاتی مترقی ، مردمی ، عدالت خواه و ملی فعالیت های مختلفه سیاسی - تبلیغاتی دشمن راکه بافریب کاری، شعار های ترقی خواهی ، تمنن پسندی ، کمک های انترناسیونالیستی برچهره خود کشیده است به شکل کامل افشاء و جائی برای مانور های سیاسی فعلی اوکه زیر نام "دولت ائتلافی" و "مصلحه ملی" فریب کارانه به پیش برده می شود نمی ماند .

در ساحة اقتصادی :

جنبش کبیر و به حق مردم ما می توانسته مجموع امکانات اقتصادی و مالی جنبش مقاومت را با پلان گذاری برای یک جنگ طولانی و حرکت در جهت خود کفائی پایه های " اقتصاد جنگی " مقاومت را اساس گذاری نمایند تا به اساس آن ضمن مبارزه با پلان ها و مؤثرات اقتصادی دشمن مردم زجر کشیده و فقیر مارا نیز در جنگ مدد رسانند . مسأله درد آور دیگر در این زمینه موضوع کمک های بین المللی است که به نام مجاهدین و مهاجرین در اشکال متنوع سرازیر شده است . این کمک ها اساساً حق آن توده های عظیم رزمنده و فقیر و ستمکشی است که زیر آفتاب سوزان در کمپ ها با زندگی بخور و نمیر در اوج فقر شکنجه می شوند . ولی با ایمان قوی چون کوه استوارانه مقاومت می کنند و به سان قهرمانان زخم خورده و به زنجیر کشیده با غرور به تمام پیشنهادات پرزرق و برق دولت مزدور و بادارش ریشخند زده اند .

بلی !

این کمک ها حق اینان است حق سنگرنشینان ، یتیمان و بیوه زنانی است که پدران و شوهران شان را فدای آزادی میهن و ایجاد نظام عادلانه و مردمی کرده اند و منتظر اند تا حاصل این خونها را که به پای درخت آزادی و رهائی ریخته اند، بر چینند .

لذا این حق باید در جریان جنبش حق طلبانه مقاومت به حق داران می رسید و برسد تا خلق محروم ، فقیر و آواره مانمونه ای از تقسیم عادلانه امانت نگهداری و حراست از اموال " بیت المال " را قبل از پیروزی کامل به چشم سر مشاهده می کردند و با اعتقاد به رهبری جنبش مقاومت اعتماد سپردن ثروتهای ملی و مقدرات خود را به طور کل بدان ها می نمودند !!!

پول های فراوان برای اعمار پروژه های اقتصادی ، طبیی ، فرهنگی و ... ارسال شده است . طی این ده سال باید
این پروژه در راه کمک به مستحقین به کار می رفت ! و ...
ادامه دارد